



سنگین هستند. مستند باید روان باشد و در آن مبالغه نشده باشد. بعد هم باید چیزهایی را که هست با نگاهی نشان بدهیم که دیگران از آن زاویه نگاهش نکرده‌اند.

● **راستی در مستند آدم‌ها فیلم بازی می‌کنند و دیالوگ برایشان نوشته می‌شود، یا همیشه همه چیز طبیعی است.**

هر دو صورتش هست. اما من سعی می‌کنم توی کارهایم همه چیز طبیعی باشد. مثلاً اگر یکهو تلفن زنگ زد یا چیزی شکست، حذفش نکنم.

● **از این که مستندی ساختی که در آن یک ساز کاملاً ایرانی را معرفی کردی چه حسی داری؟**

قاعدتاً خوشحالم.

● **برای بهتر شدن فیلم‌هایت چه کار می‌کنی؟**

فیلم‌های خوب می‌بینم. همین دوربین عکاسی در دست گرفتن هم خیلی مفید است.

● **مستندسازها سفر هم زیاد می‌روند؟**

اتفاقاً الان مدتی است که سفر کردن را شروع کرده‌ام. از ماسوله هم شروع کردم.

● **دوست داری روی ژانر خاصی کار کنی؟**

نه، چون مستند غیرقابل تصور است. تو ممکن است روی فقر کار کنی، اما یک روز به یک پیرمرد در روستایی برسی که زندگی عجیبی دارد. بعد از روی زندگی او هم فیلم بسازی. من دوست دارم درباره چیزی فیلم بسازم که دیگران آن را ندیده‌اند.

● **از خودت چه انتظاراتی داری؟**

همیشه دوست دارم به چیزی که می‌خواهم برسم. من قبلاً شیراز زندگی می‌کردم و برای شرکت در جشنواره به تهران می‌آمدم. اما حالا کرج هستم تا به امکانات دسترسی بیشتری داشته باشم. می‌خواهم خیلی خوب عکاسی کنم. به تک‌تک شهرها و روستاها بروم. وقتی من از خودم راضی باشم، آن وقت مخاطب‌هایم هم در صدی از من راضی‌اند.

لطفا اسمش را حذف نکنید

کلکو شاطبی
 سال تولد: ۱۳۷۱
 شغل: عکاس و فیلم‌ساز آزاد
 محل زندگی: کرج

تدیس سیمین «سی و نهمین جشنواره فیلم رشد» برای مستند «راز سنتور» و دریافت جایزه بهترین فیلم در بخش «ترویج فرهنگ شهروندی» در «جشنواره چهارم رشد» برای مستند «سکوت باران». داور بخش دانش آموزی چهل و دومین جشنواره فیلم رشد

● **پس تو خیلی جدی چسبیدی به مستندسازی.**

بله.

● **چرا؟**

فضای مستند را بیشتر دوست دارم. فکر می‌کنم در این ژانر چیزهایی را که در ذهن دارم، راحت‌تر می‌توانم نشان بدهم. توی مستند تو با واقعیت‌ها روبه‌روی، اما در فیلم داستانی همه چیز ساخته و پرداخته ذهن کارگردان است.

● **از این دست آدم‌هایی هستی که از بچگی می‌خواستند مستندساز شوند؟**

نه. من دیپلم تجربی دارم. اول دبیرستان هم تصمیم گرفته بودم دام‌پزشک شوم. اما یک‌بار با فراخوان پرسش مهر و فیلم رشد روبه‌رو شدم و با خودم گفتم شانسم را امتحان کنم. از قبل فکر نمی‌کردم فیلم‌ساز شوم. اولین فیلمم را که ساختم، برایم مثل یک جرقه بود. فیلم اولم داستانی بود. آن را فرستادم جشنواره و بالا رفت.

● **اما مستندسازی سخت است.**

هم سخت است و هم آسان. باید حواست باشد که تو چیزی را به نمایش می‌گذاری که همه دیده‌اند و همیشه هست. حالا این که آن را چه‌طور و با چه نگاهی نشان بدهی مهم است.

● **همه کارهای فیلم‌هایت را خودت می‌کنی؟**

بله. طرح و ایده از خودم است. بقیه کارها را هم خودم می‌کنم. البته برادرم علی‌اکبر در فیلم‌برداری و تدوین کمک می‌کند. همیشه هم می‌گویند چرا از او در مصاحبه‌هایم تشکر نمی‌کنم. البته من تشکر می‌کنم، اما خبرنگارها حذفش می‌کنند. شما حذف نکنیدها!

● **چشم حذف نمی‌کنم! اما دارم فکر می‌کنم که تو و خیلی از مستندسازها**

زحمت می‌کشید، ولی خیلی‌ها مستند دوست ندارند. فکر می‌کنی دلیلش چیست؟

خب واقعیت این است که بعضی مستندها

جشنواره‌نامه

«جشنواره بین‌المللی فیلم لوکارنو» از سال ۱۹۴۶ در سوئیس برگزار می‌شود. ویژگی این جشنواره نمایش فیلم‌ها در فضای باز و تمرکز روی آثار کمتر شناخته شده از فیلم‌سازان جوان است. جایزه اصلی این جشنواره «بوزپلنگ طلایی» است که بهترین فیلم در بخش اصلی بین‌المللی می‌تواند آن را تصاحب کند.



دیالوگ ماه

(اقتباس - اسپایک جونز)
نیکلاس کیچ: «امروز، اولین روز از بقیه عمر منه.»



لغت‌نامه

میزانسن: به چیدمان عناصر (بازیگر، دکور و...) جلوی دوربین با حفظ فاصله دل‌خواه کارگردان «میزانسن» می‌گویند. نحوه قرار گرفتن بازیگرها نسبت به یکدیگر، و نحوه قرار گرفتن دوربین نسبت به صحنه و بازیگرها مورد توجه دقیق هر کارگردان حرفه‌ای و خلاق است.

اولین فیلم ناطق

در سال ۱۹۲۷ کمپانی برادران وارنر (از اولین کمپانی‌های فیلم‌سازی آمریکا) داشت رو به ورشکستگی می‌رفت که یک اتفاق مهم آن‌ها را نجات داد. اولین فیلم ناطق سینمای جهان توسط کمپانی آن‌ها به نمایش درآمد و آن‌ها از ورشکستگی نجات پیدا کردند. «خواننده جاز» به کارگردانی آلن کراسلند در ۶ اکتبر همان سال به نمایش درآمد و اگرچه ۲۸۱ کلمه بیشتر در آن وجود نداشت؛ اما به عنوان اولین فیلم کاملاً ناطق دنیا در تاریخ سینما شناخته شد. این فیلم یک ساعت و ۳۰ دقیقه‌ای درباره یک آوازخوان بود که می‌خواست در تالارهای موسیقی آواز بخواند، اما نگران مذهب، خانواده و آبرویش بود. در این فیلم که اغلب صدای آواز بود، بازیگر اصلی حرف هم می‌زد. فیلم خواننده جاز با حضور بی‌نظیر و تاریخی تماشاگران روبرو شد و از آن پس سینما وارد دوران جدیدی شد. البته با پیدایش سینمای ناطق اتفاق‌های بدی هم رخ داد، به طور مثال ستارگان سینمای صامت آن روزگار مثل باستر کیتون آرام آرام شهرت خود را از دست دادند.

اولین فیلم رنگی

به تازگی نخستین فیلم رنگی دنیا کشف شده است. این فیلم در سال ۱۹۰۲ میلادی توسط عکاسی به نام ادوارد ریموند ترنر در لندن ساخته شده است. فیلم درباره سه کودک است که پشت یک میز با آفتابگردان‌هایی که در دست دارند بازی می‌کنند. ترنر روشی را ابداع کرده بود تا با عبور فیلم از سه فیلتر قرمز، آبی و سبز آن‌ها را رنگی کند. او این اختراع را در سال ۱۸۹۹ میلادی به ثبت رسانده بود اما خیلی‌ها اختراع او را یک شکست می‌دانستند، نه یک پیروزی. او پس از تکمیل این ترفند برای ساخت فیلمی کوتاه به شهر دیگری رفت و در همان شهر فوت کرد، بنابراین طی تمام این سال‌ها اولین فیلم رنگی دنیا ناشناخته مانده بود. این فیلم طی این سال‌ها درون جعبه‌ای در موزه ملی رسانه در برادفورد باقی مانده بود که حالا به تازگی کشف شده است و حتی پس از ترمیم به نمایش هم درآمده است.

